

## هنر-نامرئردن-استعمار-ناه-در-به-رخ داده-عراق



عراق ندمن هفته اعتراضات را از سر مذراند. اعتراضات خونین به بنابر زارش ها رسم تعداد شسته ها آن از رقم نضر داشته است و هزاران زخم برجا نداشته است. در را ان اعتراضات تانوم مطالب فراود را خواندم. زارش و تحلل ها ه زاوه ها مختلف از اعتراضات را بحث مردند. آنه در ان تحلل ها من را بیشتر متحررد بتوجه به نقش ساست ها اقتصاد بوده در عراق س از اشغال به نام نئولبرالسم در ان شور اده و اجرا شد. ساست ها ه در عمل شور را نابود ردند، اما باز توانستند با بهره امعصوم حدافل تا الان به نار بنشند و نظار مر ان باشند ه همه متهم به وراذ و خراب عراق شوند، به جز خود آنها ه باد بار سنن ان وراذ را بر دوش بشند. به نظرم آمده ان هنر است، هنر شرفه از و ها نئولبرالسم در معصوم ساز از خود است. انه در ان اعتراضات همه س و همه ز متهم م شود، به جز مقصر اصل، نشانر ان است ه ونه ساست ها استعمار نئولبرال در جهان امروز نر مالزه و نامرذ م شوند. برا توضح بیشتر ان نته اجازه دهد با توصف از اعتراضات عراق شروع نم

(التدسه ر خه ها

لاه اول اعتراضات اخر عراق را فرودستان شل م دهند: مردم عاد، فقراء و طبقه محروم جامعه. شاد به همن جهت باشد ه سه ر خه داران از همان روزها اوله ان اعتراضات رهبر و نماد ان خزش در عراق شدند. در و دو دل، به عنوان مثال، زنان و دختران عراق را م بنم ه شعار م دهند «سه ر خه داران» (ابوالتد) رم و نشانه هستند. زنان و دختران، رم عراق را بلند رده اند، اما م دانند ه رم واقعان خزش ان جوان فقر سه وش است. جوازه صاحب سه ر خه است در ابتدا تصور مرده منظور ان زنان «رم عراق» است. همن ار را هم مند. ان جوان مرود و رم عراق را ه بر سه ر خه اش بسته است باز مند و باز مرده. اما وقت م بند شعار دادن ان دختران تداوم دا مند، متوجه م شود ه ان اوست، همان «ابوالتد»، ه رم، نشانه و شعار ان خزش است. ان و دو را شاد بتوان از و دو هلد در اعتراضات عراق و ماه اجتماع آن دانست

سه ر خه ه همان التک التک بدلل شعار و نشانه جنبش عراق نشد. سه ر خه نقطه وصل فرودست و اعتراض است: نشان ماه اقتصاد و اجتماع معترضان. حضور ر تعداد ان سه ر خه ها و استفاده از آنها برا جابجا معترضان و مجروحان به وضوح جاه آنان را در نقشه جهان طبقات نشان م دهد.

نماد شدن سه ر خه دل در نر م تواند داشته باشد: برا جوان عراق فقر ان سه ر خه همه ز است. سه ر خه اراه تولد، تمام دارا و تنها منبع در آمد صاحبان آن است. حضور ان جوانان با سه ر خه شان عملردن شعار است ه مود «من با تمام وجود و هستام به ان مبارزه آمده ام.» او با ان نش انقلاب همه در اذرا ه ممن است از دور دست بر آتش داشته باشند و ا در جاه بهتر در سلسه مراتب اجتماع هستند نر دعوت مند تا به او بوندند

بعد طبقات جنبش اخر در عراق را م تواند در تصور دل از ل السنک بغداد نر ببند. ل السنک دو سو رودخانه دجله را به هم وند م هد. در سو ان ل، نروها نظام به صف استاده اند تا جلو شو موج اعتراض به سمت هسته مرز شهر ه منطقه خضرا را در برفته است برند

منطقه خضرا همان منطقه است که دولت انتقال به فرماندهل برمر برا ساخت تا امان حومتراذرا برا نروها آمرا/انلس و همراهانشان در عراق فراهم ند. در عراقه رن خون و آتش رفته بود، دولت انتقال انلو آمرا نار بوده منطقه اسبز و امن برا خود برا سازده با دوار بلند از جهان اطرافش جدا است و محافظت از آن با ارتش آمراست. منطقه به بشتر شبه م نظام است تا نهاد دولت امدن

لها البته تنها مرز طبقات نستانند. لها مرز بن دو جهان استعمار و استعمار شده نر هستند. فهم ان مرز بند استعمار در ان نته مستتر است که آن سولها تنها جابه طبقات برتر را ندارد. آن سولها منطقه خضرا نهفته است: جغرافیه محل تولد، رشد و مشروعیت استعمار نون در عراق است. منطقه اس از اشغال عراق به محل استقرار دولت انتقال انلو آمرا مبدل شد و از همان روزها اول با دوارها بتدو با ارتش نظام زرهوش سع شده آن را از «شر جهان حاشه» اطراف اش جدا سازند. منطقه خضرا همنن و همانونه توضیح آن خواهد آمد، برا سائها محل تصوب قوانن و مصوبات شده در عمل «عراق جدد» را به مستعمره اس به سب نون در اقتصاد جهاد شده امروز مبدل ساخت. از همن رو است که موم حریت معترضان از مناطق ان دست به سولها تنها نشاد از تحر طبقات نستان. جهت جغرافیا ان اعتراضها تلاش است برا نر از لها است که مرز دو جهان «استعمار» و «استعمار شده» شده اند. شرو ان سه رخهها بر رو ان لها شاد معنا به جز برجسته ردن تنشها مان دو جهاده رود تاریخ دجله حد فاصل آنها شده است ندارد

اجازه دهد توضیح هم را مان- و علرغم خروج آمراها از عراق- باز منطقه خضرا را باد به عنوان نماد استعمار نون عراق دانست و اعتراضات اخر را نباد به دور از ان ساختار استعمار نون فهمد

دترن شو و استعمار نون عراق

برا فهم منطقه خضرا به عنوان نهاد استعمار ناز به رفتن به داشته دور و فراند سترش استعمار، نقش نفت در آن و شلر دولت مدرن در عراق که به حدود قرن ش باز مردد نستان. به جا آن داشته تاریخ دور، اجازه دهد به به سال قبل برردم، به سال، و زمانه ائتلاف انلو-آمرا به عراق حمله رد. در آن زمان توذبلر نخست وزر وقت برطانا، در نطقه عراقها ننت

صدام حسن و رم او ثروتها شور و ملت شما را غارت رده اند. در حاله بسار از شما در فقر زند مند، آنها زند لار دارند... ول نفت عراق از آن شما «خواهد بود، و برا شما و سعادت شما استفاده خواهد شد. توذبلر،

ان فته توذبلر در آن سال شاد برا عده از عراقها، به وه برا آنان که از استبداد حزب بعث خسته شده بودند، دلنشن م نمود. به وه برا شعان و شاد ردها و محدوفان عراق بودند و نصب از ثروت نفت نداشتند. بخش عمده از نفت عراق در مناطق شعه نشن جنوب واقع است، اما ان مردم بهره از آن نداشتند. علاوه بر ان، رم بعث شر در بازار نفت جهاد بود و اجازه داشت تا در قالب نظام بن المللا «معضلات درونه» برا تولد و صادرات نفت خطر اجاد ندر را به هر طریقه صلاح م داند حل و فصل ند. ما حصل ان ساستها جهاد، و شم بر بستن بر شوهها خشن و استبداد تأمن امننت صادرات نفت، برا مردم بوم جنوب عراق که به جز فقر، ترس، وحشت و نفرت از حومت «سنه» نبود

از ان رو است که بعد نم دائم صحبتها توذبلر در مورد فساد رم بعث و سرقت ثروتها نفت توسط دولت بعث، همون آد سرد بر دلها خونن و داغ دده ان محدوفان تلق شد. در آن زمان، البته، سدا نشد تا از توذبلر برسد او که زمان متوجه ان «سرقت» شده است؟ آنه از او برسد که ونه شد باره ساست آمرا و انلستان بر «توقف فساد» در عراق و «سعادت مند ردن» ان مردم تعلق رفته است؟ ونه م شود توذبلر که شر عمل ردن ساستها نفت در برابر غذا بود- ساسته بنا بر برخ آمار نزد به نم ملون ود عراق قریب از رفت- م تواند دم از «سعادت» و «خوشبخت» عراقها بزند؟ ادم نم آد س ان سوالها را رسدا خر. اما ار هم ستن مرسد، حتمل رسش او به حساب حمات از رم بعث نداشته م شد و در آن وانفسا به وش س نم رسد

شاد ار استبداد رم بعث نبود، شمان عراقها در غبار آن روزها م توانست ببند که بوش، بلر و همراهانشان، برا هده «سعادت و خوشبخت» به عراقها و «مبارزه با فساد» به عراق نامده اند. آنها آمده بودند تا بازار عراق را در نظام جهاد سرمایه دار ادغام نند. آنان آمده بودند تا با برانداختن دولت عراق و باز ردن دروازهها ان شور به سرمایه دار نثولبرال «سهها شرتها نفت خود را رنند» و بر ان هدف بر خشن ترن و خونن ترن روشها مت بودند. و عجبا که توانستند با بهره راز نارضات مردم عراق از رم استبداد ان ساستها را با نام «مبارزه با فساد و استبداد» بر عراق تحمل نند

بدون عراق تبدیل به نمود عذ و تمام عار دترند م شوده ناموملان نوسنده، استاد دانشاه و تحللر انتقاد نئولبرالسم و روندها جهاد شدن از آن به عنوان «دترین شو» اد مند: جذ برا تحمل ساست ها اقتصاد جدد. لان در تاب خود توضیح م دهد ه در حالت عاد و در نبود بحران، مردم ساست ها جهاد نئولبرال را نم نرند. اعتراضات مردم ه ش از جذ عراق آمرا لاتن را فرارفته نشان از ان بست در بسط نئولبرالسم بود. او در ادامه عنوان مند ه نئولبرالسم بنابراین برا سترش و بسط جهاد خود نامند شو ها بزر است: شو ها ون جن، بحران ها بزر زست محط و جذها داخله عراق نمونه ان «دترین شو» بود

نن ورود و رخداد را به خود م توان در قوانن ه دولت انتقال عراق س از جذ به تصوب رسد دد. دود وات (در مطالعه ه در ان خصوص انجام داده است نشان م دهد ه اغلب قواننه در روزها اوله س از جذ مصوب شد راجع به خصوص ساز اقتصاد و زمنه ساز برا وستن عراق به سازمان تجارت جهاد بود. ل برمر، تنها در مدت هاره ماه بش از ماده قانونرا مصوب ردد تا زمنه ادغام عراق در بازار اقتصاد جهادرا فراهم آورد. ساست ها ه برخلاف وعده تود بلر در باره توزع عادلانه ثروت نفت، هدف جز حام ردن ساست ها نئولبرال در عراق را دنبال نم ردد: حذف سوبسدها دولت، حذف تعرفه بر واردات، حذف تمام موانع تجارت خارج (دستور)، حذف ساست ها نظارت و حماه از اربران (دستور) و تفر قانون مالات به سود سرمایه دار خارج تنها بخش از ان قوانن هستند. دولت انتقال به راست بلومر در مجموع تمام قوا و نروها خود را به ار بردند تا بنان ها اقتصاد عراق را از اقتصاد دولت محور به اقتصاد مبتد بر قوانن سازمان بن المللا تجارت جهاد و خصوص ساز بخش ها مختلف دولت مبدل سازند. ل برمر به صراحت از ضرورت خصوص ساز و از ان اده ه اقتصاد فاسد عراق تنها با خصوص ساز درست م شود ساست ها خود را تحم و تداوم بخشد

او و دولت انتقال انلو آمرا با حماه قواعد اقتصاد جهاد، عراق را به سرعت به بازار الاها خارج مبدل ساخت. ساست ها جدد اقتصاد با باز ردن درب ها اقتصاد به الا و شرت ها خارج، لغو تعرفه بر الاها واردات و اجاد امان بر سرمایه دار صد در صد شرت ها خارج در بخش نفت عراق در عمل هر ونه امان بر رشد صنعت مولد در عراق را سلب رد و صنعت نصف و نمه عراق ه از جذ آسب دده بود را به مر مزمن (اشاد امل) دار ساخت. عراق به بازار بر الاها خارج مبدل شد. به عنوان مثال ندر روز س از تصوب قوانن خصوص ساز و نرش مقررات مان تجارت جهاد، ماد تاسون آمرا بازار مرغ عراق را در اختار رفت و مرغ را به قیمت ارزانتر راه بازارها عراق ساخت. ان ساست ها، در عمل، به تدرج اقتصاد عراق (در برابر اقتصاد جهاد) را بلا موضوع رد

ساست ها اقتصاد درها باز و اصرار بر سرمایه دار خارج همنن باعث شد تا تا نزد به درصد تولد و صادرات نفت عراق توسط شرت خارجها انجام شود. در همان روزها اول جن، از افسران دولت انتقال، در صحبت ها ه در نره آمرا داشته است، موده از شرت ها آمرا خواسته است تا «با سه باند ان شرت ها، از طرق زد و بند با نخبه حام در عراق به اه ها و مادن نفت دست مازدند و سود حاصل از نفت مان ان شرت ها و دلالانه (bring your bag!) ان قراردادها بن المللا تسهل مردند و در دولت حضور داشتند تقسیم م شد. سهم ه از نفت به دولت م رسد دوباره در باتلاق فساد مان «نخبان حام» باز توزع م شد. نتیجه همه انها ان شوده امروز در عراق بحث «مل شدن نفت» هنوز داغ باشد

و ان مر ه تفاوت به استعمار لاس دارد؟

تعرف ها لاس استعمار به ما موند ه استعمار از استراتها لمد توسعه سرمایه دار است ه در آن به شلادار منابع طبع در جوامع و مناطق به سود جوامع استعمار ننده مورد بهره بردار قرار م رند و ان فراند با ادئولوها مختلف توجه و تبین م شود. و ه تفاوت م بند بن آنه توضیح داده شد و ان تعرف استعمار؟ به جز آنه باد بینم ه ونه ان استعمار از انظار نهان شد و ملت عراق ناتوان از ددن آن؟

سوال در، البته، ان است ه ونه ان استعمار در عراق نهادنه شد؟ ضمانت ها اجرا آن ونه حاصل شد و را دولت ها بعد عراق نتوانستند ان قوانن را تفر دهندا حت «قانون مل شدن نفت» را به سرانجام برسانند؟

نهادنه ردن استعمار

اره زمامدار و تاهل برمر در عراق نئولبراسم را به شل قانونده به ساختار عراق تحمل رد، اما ظهور دولتدر متوانست آن قوانن را بلا موضوع ند. نروها آمرا و انلسدر عراق، بنابراین علاوه بر اصلاح قوانن با داره اماندشدند تا روه ها استعمار جدد در عراق به راه بدون بازشت مبدل شوند. نینار با اجاد ساختار ضعف، شننده و تقسم شده بر مینا دن، قوم و ناد ممن شد. با از بن بردن تمام مقومات دولت عراق، ساختار جدد به ونه اده شد ه در عمل هر ونه وانش موثر در برابر ساست ها استعمار جدد را از بن برد. البته نافته نمانده رشه ان ساختار شننده جدد تنها محصول استعمار نون نست. ان ساختارها رشه در استبداد زمان بعث نژ دارد. ان اختلافات قوم و دنه خود نوع موه استعمار نذشته بودند، در دوران بعث حل نشده باق ماندند. سروپ ها مستمر، بدون توجه به ضرورت بازساز هوت عراق بر مینا دمورات، به تدرج بر حجم ان شاف ها افزود و شاف ها قوم را به عنوان آتش زر خاستر زنده ناه داشت تاس از جددوباره باز تولد شوند. ار بهره بردار از ان شاف ها ار آمراسن، نطفه آنها در زمان تاسس عراق مدرن بر مینا عرق و دنو با آغاز دولت مدرن بسته شد. و نظام بعث تنها با مشت آهنن دولت ان شاف ها را زنده و آماده ناه داشت. بقا همین عقده ها رن بود ه باعث شد ائتلاف انلو آمرا بتواند ان شاف ها در مان نشده را به نفع خود فعال سازند و ساختارها جدد دنو قوم را به ونه ابند ه بتواند. حمر اذ استعمار بر عراق بر اساس ساست قدم «اختلاف بنداز و حومت ن» را ممن و مستدام سازد

شاد براتان قابل توجه باشد ه از خواسته ها معترضان در خایان ها نر از نظام ارلماذ به نظام راست جمهور و حذف دن و قومت در حوزه ست و مقام ها ساس است. ان خواسته شاد نشنر در عمق معترضان از وضع موجود باشد، از انه ان سستم مبتدبر فرقه رادنو و مذهب قادر نست مطالبات آنان را اسخ دهد. اما همین خواسته با مخالفت اثر روه ها شع، سذ ورد (به دلیل ترس از تبعات نظام متمرز ه تجربه آن را همه آنها دارند) رو برو شده است. ضامن بقاروه ها موجود در قدرت تداوم ان ساختار ضعف و شننده و بهره ر از عوامل مذهب و قوم برا توجه و تقوت حضورشان در سستم است. و آنه ه مشخص است، ان نخبان-حداقل تا نون- با ان خواسته معترضان مخالفت رده اند و در برابر آن استاده اند

خشم شعان: استعمار نون و اسلام ساس شع

اجازه دهد به بخش در از ماجرا، ه همان تمرز اعتراضات در مناطق شعه نشن عراق است، نژ بردازم. نارضا از احزاب شعه ند سال است ه در عراق آغاز شده است، ره به مرحله اعتراض خاباذ نرسده بود. مشارت اند در انتخابات نذشته عراق (در مناطق شع) شاد نشاذ از ان اعتراضات بود. در ط سائها اخر من با تعداد از دوستان عراق، ه بشتر آنها در جنوب عراق رشد افته اند و به مناس مذهب شعه به شدت متمس هستند، ارتباط داشتم و اه اه فرصتس م آمد تا با آنها داشته باشم. در سائها اخر هر وقت ه بحث در مورد عراق داشتم، آنان عامل بدبخت ها عراق را «اهل اللح» (رشوها) م دانستند و به شدت بر ان احزاب م تاختند. از منظر انها ان «رشوها» باعث همه فساد و بدبخت در شور هستند. دلیل شل ر و رشد ان با اعتماد خود محل سوال است و فهم آن م تواند به ما مند تا شاد تمرز شعارها بر اران را بفهمم

بسا احزاب شعه نوذ عراق همان اوز سوز هستند ه بر عله نظام بعث م جندند. س از روز انقلاب اسلام در سال و به دلیل نهادنه بودن حذف و طرد در عراق، بسار از ان احزاب شعه بر اران آمدند. در طول دوران جذ آنها همراه با نروها نظام اران بر عله عراق م جندند. ان احزاب ه در متب ساس اسلام-شع در اران رورش افته بودند، شاد روز روادده ساز مدل مشابه اران انون در عراق را داشتند و اه اه از آرزوها خود مفتند. آرزوه با سقوط صدام حسن و اشغال عراق فرصت تحقق آن فراهم آمد. س از سقوط عراق، ان احزاب با همین روه به عراق بازشتند تا مدنه فاضله ارا با بهره ر از عناصر اسلام ساس بافرند

احزاب شعه عراق، همینان، در آن زمان آمد مردم محروم شعه جنوب عراق نژ بودند. همانطور ه فتم بخش اعظم نفت عراق در مناطق جنوب شعه نشن قرار دارد. با ان همه در دوران حومت بعث، از دل ان نفت ز جز فقر نصب شعان نشده بود. آنان روه ها به حاشه رفته جامعه بودند. با سقوط دولت بعث، شعان شم آمد به ان احزاب داشتند. ان را م توان در نتایج انتخابات ها سال ها اول س از اشغال عراق دد. با ان حال روز به روز به عمق ب اعتماد بن مردم شعه و ان احزاب افزوده شد و ار به جا رسد ه انون شعان عراق خود ان احزاب را عامل بدبخت خودشان و خراب عراق م دانند

رشد ان ناه منف به احزاب شعه را باز یاد در فراند شل ر مجدد عراق س از جدد. احزاب شعه با بهره ر از نهضت داخل سار نامده بودند. آنها نتوانسته بودند نظام بعث را به زر بشند. و متوجه نشدند ه نم توان سوار بر تازها آمرا به عراق بازشت و اراده مستقل داشت. تازها آمرا جا به جز منطقه خضرا برا آنان نداشتند، جغرافا تمام استعمار ه اختار و راست آن با دولت انتقالل برمر بود. ل برمر ه از همان ابتدا شل ر دولتش، ساست و اقتصاد را به هم وند داد تا مشروعهانه راش ببرد. و ان احزاب اره نداشتند. ار م خواستند ه در منطقه خضرا بمانند. جز آنه مجر روه ها ل برمر بشوند. آنها حترار مدل برا مدنه آرماد شع-اسلام خود داشتند (ه نداشتند) باز راه جز آنه تازها آمرا به رهبر برمر م رفت نم توانستند

ان احزاب همین شاد تصور آرماد از اقتصاد غرب داشتند. همان تصور به بسار از مردم خاورمانه دارند. تصور به اقتصاد آمریکا نمونه اقتصاد شرفته است. بنابراین دلاهم نداشتند به بال برمر مخالفت نند. البته به آنها نیز دروغ نفته بود. او فته بوده م خواهد نسبت دولت و اقتصاد در عراق را شبه شور آمریکا بند و همین ار رارد. همانند آمریکا، او دولت بر عراق ساخت نه به طرف است و ناظر و نه ناظر بر ساحت اقتصاد است و نه دولت مجر عدالت. بله دولت به اررد آن تنها تسهل فعالیت شرت ها اقتصاد و تسهل ردرش سرمایه جهاد است. جوزف استلتز، اقتصاددان و برنده جازه نوبل اقتصاد، ان را در باره دولت آمریکا مود. او به مدت ها در باذ جهاد مسئولیت داشت به خوب با ان روند آشنا بود و همین باعث م شود تا او در تاب خود در باره نابرابر ها در آمریکا بنوسده «ار دولت آمریکا تسهل انتقال ثروت از طبقات ان جامعه به آناذ است» در راس ان هرم هستند. «بارها و بارها ادآور شوده نابرابر روه سترش در آمریکا محصول دولترانتر است» هدفش انتقال ثروت از طبقات ان به دهها بالا جامعه است. توقع ل برمر از دولت عراق نیز بش از ان نبود: دولته مند ثروت از عراق (و طبقات محروم عراق) به آناذ در راس هرم هستند منتقل شود. و به همین دلیل است که دولت عراق به نهاد مبدل شده اررد آن ز جز اراق شرت ها بزر نبود. و در نتیجه همین ساست بوده عراق به از فاسدترین شورها جهان مبدل شد.

دلیل باعتبار امروز احزاب شعه عراق در همین روند خوردن آنها با ان ساست ها استعمار است، در نقش است که ان احزاب در دولت جدید عراق بر عهده رفتند.

آ ان احزاب راه جز ان داشتند؟ اسخ بر ان سوال ندارم. اما مدانم ان احزاب، در ساه رشد روزافزون اختلافات شعه-سنو-رد-عرب و ساختار شننده دولت جدید، از همان روزها اول، مجبور شدند (و به تدریج اد رفتند) که بر ابقاء در ساخت قدرت باد به لاد موثر شرت ها و دولت ها منطقه او بن المللا مبدل شوند. و در ان فراند، ان احزاب، دانسته اندانسته، اسلام ساس شعه در عراق را با استعمار نئولبرال انلو آمریکا وند دادند. و خواسته ناخواسته، با آمدن به منطقه خضرا و با ماندن در آن منطقه، به تن نئولبرالسم (بخواند استعمار نون) لباس اسلام و شعوشاندند. در ساه همین ر خدادهای است به تدریج «حزب الدعوة» هل ته شد و هر روه از آن مسر جدارا در ش رفت. بخش از آنها به ایران نژد تر شدند و روه به شورها در منطقه آمریکا. روند که در نهایت هم ان احزاب را آلوده ساخت و هم انه به ظهور طبقه احام و فاسد منجر شد.

در طول سالها ان احزاب شعه در قدرت بودند، سهم شرت ها خارج در تولد و صادر ردن نفت عراق به نژد درصد رسد. بن مردم عراق شاع است که حقوق رئیس جمهور و نخست وزیر را آمریکا هارداخت منند. ان هم درست است. راه آمریکا نفت را تولد منند، م فروشند و س از برداشت مبلغ به عنوان هزینه ها جز عراق، سهم عراق را وارز منند. و در اقتصاد که درصد آن نفت است، طبع است که بتوان فرض رد حقوق رئیس جمهور و نخست وزیر. و نمایان مجلس را شرت ها آمریکا رداخت منند. شرت ها مترن ناز به استخدام نرو بوم عراق را حس نم رددند.

مهمتر از آلود به فساد، باعتبار احزاب شعه را شاد در ناتواذ آنها بر بهبود وضعت زند شعان عراق دانست. مان ساست ها اقتصاد ان احزاب مجر آن شده بودند و اجاد نغر بر عدالت اجتماع شاف عمق وجود داشت. ان احزاب، از سو، به توصیه نهادها بن المللا و باذ جهاد، موظف شده بودند تا از حجم دولت باهنگد. بنابراین امان بر استخدام بیشتر در دولت اق عراق را نداشتند. در ساختار که درصد در آمدها دولت از نفت است، «شغل دولت» تنها راه دسترس به ان منابع نفت است. و مسدود شدن ان راه به بهانه اقد دولت به معنا محروم ردن مردم بوده تصور مردند با سقوط نظام بعث ان درب ها به رو آنان باز خواهند شد. علاوه بر ان، از بن بردن تعرفه ها مر و وستن به معاهدات سازمان تجارت جهاد (در ترب با نا امن موجود در عراق) امان رشد صنعت و اقتصاد داخل در عراق را غر ممن ساخت. احزاب شعه، بنابراین، با اتخاذ و اده ساز ان ساست ها اقتصاد در عمل همان ساختار نابرابر به ارث رسده از ذشته را باز تولد رددند.

محصول وضعت جدید، در نتیجه، به وه بر شعان جنوب، ز به جز سر خورد و ناامد سترده نبود. شعان عراق سر خوردده اند که سهم آنان س سقوط صدام و بر آمدن ان احزاب شعه همان فقر و بدبخت ذشته است. در عراق جدید، آنان از سو شاهد نار آمد حومت و رشد فقر و بدبخت خود هستند، و از سو در، شاهد رشد قار و نه فساد و زند ها لار حومت دارانه بسار از آنها انبار شعه بودند و روز معتمد آنان. شعان که همیشه فقر و بدبخت در مناطق خود را به دولت سنو و بعث منتسب مردند، انون نم دانستند که مراد نام ان احزاب را و نه تفسر نند. وابسته و نژد ان احزاب به ایران و حضور مستمر ایران در عراق و نقش آفرند بر آمدن و رفتن دولت ها در اذهان عامه ایران را در نار ان احزاب ورشسته ساس قرار داد و بسار از آنها دخالت ها ایران را ریشه وضعت نوزم دانند. آر، احزاب شعه، شاد نم دانستند نسبت مان ساست ها جدید که سازمان ها بن المللا بر آنها تحمل مردند و بحث عدالت وجود ندارد. ان احزاب شاد نم دانستند که نابرابر ها به جا مانده از ذشته ان نم توان با اقتصاد رانته نئولبرال حل رد. علت هر که باشد، ان احزاب با نار آمد و فساد خود اده باعتبار و ورشسته خود را آبار رددند و امروز نتیجه ندانستن، ا دانستن و عمل نردن خود را درو منند.

استعمار باز، ش رو شمان ما، شور را با جزو سس تحمل ساست ها اقتصاد نئولبرال نابود کرد. استعمار باز شور را در برابر شمان ما و در روز روشن خراب و ویران ساخت و ملت را فقر، ته دست و محذوف بر جا داشت و خود را در بن دوارها منطقه خضرا محفوظ کرد. در همین نابود است به باعث م شود مردم عراق به جا برسند به با سرود مل عراق حق هق نان بره میند و شعار اصلشان «نرد وطن» بشود (ودو را ببند). ان مردم وطنشان را م خواهند، وطنه استعمار نون در برابر شمانشان نابود کرد. ترب شعار «نرد وطن» با آن سه رخه ها انقلابیه ان ادداشت را با آن شروع مردم، نشان م دهد به ان محذوفان رشه درد را تا حدود م دانند. آنها م دانند به فلائشان متأثر از ان «ب وطن» است، از تبدیل شدن عراق به صحنه ساس تنازع شورها منطقه و تبدیل شدن رهبرانیشان به لاد شرت ها بزر و تسهل نندان رخس سرمایه بن المللا

با ان همه آنه باز من را متحر م سازد ان است به ونه با ان همه جن، برانداختن دولت، بر آوردن دولت نظام آمرأ، تحمل ساست ها اقتصاد نئولبرال، باز بردن دروازه ها عراق به اقتصاد جهاد و تبدیل ردن دولت عراق (و رهبران جدد آن) به دولت رانتره و وظفه اش تنها انتقال ثروت از منابع طبع عراق و لاه ها ان جامعه عراق به شرت ها بن المللا است باز ان مردم (و حت ما) نم توانم به روشنان استعمار نون را ببینم. باز نم توانم ببینم به استعمار ونه لخت و عران حمراد میند، و باز با ان همه شواهد نئواستعمار و تبعات آن در برابر شمان ما نامرئ م شود. ان فرارت و سالت نئولبرالسم و استعمار است به م توان از آن به عنوان هنر جادو ادرد. هنر به با آن م توان جلو شمان قرب به ملارد انسان، و با ان همه رسانه جهاده تصور و خبر را لحظه به لحظه مخابره میند، باز م توان شور را نابود کرد، ملون ها نضر راشت و ده ها ملون نضر را به حاشه راند، اما باز سان طبع استعمار نئولبرالسم را ببند و باز همین نسخه به عنوان «تنها راه» نجات دهنده «اقتصادها عقب مانده» معرف شود. به نظر آنه به ناز به مطالعه جد تر دارد ان هنر نامرئ ردن طبع استعمار نئولبرالسم است به هر لحظه و هر آن در برابر شمان ما در حال رخ دادن است. هنر به م تواند از دل هر فاجعه ا مرتب م شود باز نئولبرالسم را از هر ناه مبراند و آن را به عنوان معصوم باز تولدند

منبع: انال تلرام «رزوم»، انال شخصه نوسنده